

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۶ می ۲۰۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مجلس اول- (در عدم اعتراض به خواست خداوند)

سرورما شیخ محئی الدین ابو محمد عبدالقادر (رضی الله عنه) در صبح روز یکشنبه سوم ماه شوال سال ۵۴۵ هجری قمری در خانقا چنین فرمودند:

روی گردانی از خدای عزوجل به هنگام نزول مقدرات، مرگ دین، مرگ توحید و مرگ توکل و اخلاص است. دل مؤمن در وقت نزول بلا از چون و چرا به دور است، بلکه در تمام مقدرات تسلیم محض می باشد. به امید پیروزی و موفقیت در ردیف صابرین باشید و در راه خدا بیدار و هوشیار. از خدا غافل مشوید، این هوشیاری رادر زمان حیات به دست آورید، چه بیداری پس از مرگ سودی ندارد. و پیش از آن که در پیشگاه الهی حضور یابید دل هوشیار به دست آورید، قبل از آن که فرصت از دست برود و موجب پشیمانی گردد، زیرا آنگاه پشیمانی نافع نخواهد بود. دل‌های خود را اصلاح کنید، هرگاه دل صلاح پذیرفت تمام احوال شما به صلاح خواهد آمد. ازین جهت است که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«فِي ابْنِ آدَمَ مُضَعَّةٌ إِذَا صَلَّحَتْ صَلَّحَ لَهَا سَائِرُ جَسَدِهِ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ لَهَا سَائِرُ جَسَدِهِ، إِلَّا وَهِيَ الْقَلْبُ»-«در وجود بنی آدم گوشت پاره ای است هرگاه صحیح و درست باشد، تمام اعضای او صحیح و سالم است و هرگاه فاسد شود فساد تمام بدن را در پی دارد، آگاه باشید و آن قلب است».

امصلاح و سلامت قلب به پرهیزگاری و توکل به خدای عزوجل و به توحید و اخلاص در اعمال بستگی دارد و فساد و تباهی اش در عدم آنهاست.

قلب در بدن به منزله پرده ای است در قفس، یا گوهری در صندوقچه، یا مالی که در خزانه ای باشد، مسلماً ارزش قفس به علت مال است. قفس به تنهایی و صندوقچه خالی و خزانه تهی دارای ارزش و اعتبار نیست.

بار خدایا تمام اعضاء و جوارح ما را به بندگی خود مشغول دار، دل‌های ما را به نور معرفت خود روشن نما و در تمام طول حیات و در تمام شب و روز ما را به خود مشغول گردان و از غفلت درمان بدار. ما را به آنچه بندگان صالحت تقدیم پیشگاه اقدس کرده اند، موفق بدار. آنچه روزی معنوی آنان کردی به مانیز ارزانی فرما. باماچنان باش که با آنان بوده ای. آمین.

ای قوم (ای گروه پیروان)، در راه اطاعت امر خدا چنان باشید که نیکوکاران بوده اند، تا این که خداوند متعال نیز نسبت به شما همانگونه باشد که با آنان بوده است.

اگر میل دارید که مشمول عنایت خداوند باشید به بندگی و فرمانبرداری و صبرپردازید. به آنچه که درباره شما و دیگران مقدر می شود به دیده رضا بنگرید. ای قوم از دنیا قطع علاقه کرده و تنها به قسمتهای معین خود از آن توجه نمائید، اما با دست تقوا و پرهیزگاری. سپس در فکر آخرت باشید و اعمال و رفتار مناسب آخرت کسب کنید از اوامر خدای عز و جل اطاعت کنید، اول خود را پند دهید و آنگاه دیگران را.

(یاغلام) اول به نفس خود بپردازید، خود را نصیحت کن سپس دیگران را اندرزده. نفس خود را در این امر مقدم بدار چون در تو آنچه که به اصلاح نیاز دارد هنوز باقی است و تا خود را کاملاً اصلاح نکنی چگونه می توانی دیگری را از گرداب نفس نجات دهی؟

تو فعلاً نابینائی چگونه رهبری دیگری را می توانی به عهده بگیری؟ بآبینائی کامل می توان عصاکش دیگری شد. شناگر ماهر می تواند غرق شدگان لجه نفس را به ساحل نجات برساند. انسانهای دل آگاه می توانند به معرفت الله راهنمائی کنند، آنهایی که در این راه جاهلند از رهنمائی دیگران ناتوانند. در برابر امر خدا چون و چرائی نیست، پس او را دوست بدار و به خاطر رضای او عمل کن نه برای رضای غیر، از خدا بترس نه از خلق خدا. اما این مراحل با خلوص نیت به انجام می رسد نه با گفتار و زبان آوری. این دستورات باید در خلوت و تنهایی انجام شود نه در ظاهر، چه هرگاه توحید در آستانه خانه ای باشد و شرک در داخل آن، این عین نفاق است و دو روئی. زبانت از پرهیز و تقوا خیر می دهد و قلبت از فسق و فجور. به زبان شاکری و به دل ناسپاس و معترض. در این مورد خداوند متعال به لسان رسول گرامی اش فرموده:

(يَا اِبْنَ اٰدَمَ خَيْرِيْ اِلَيْكَ نَزَلَتْ وَشَرُّكَ اِلَى صَاعِدٍ) - «ای بنی آدم نیکی های من بر تو نازل می شود ولی در عوض بدیهای توبه سوی من بالامی آید».

وای بر تو، شگفتا! ادعای بندگی خدا داری ولی غیر خدا را می پرستی، اگر به حقیقت خود را بنده خدای دانی هر آینه بدو می گروی و او را ولی و سرپرست خود قرار می دهی، مؤمن واقعی از پیروی نفس و شیطان آرزو به دور است، شیطان نفس را ارزشی قائل نمی شود تا او را پیروی کند، و به دنیا اعتنائی ندارد تا در برابر آن ذلیل شود، بلکه دنیا را به دیده حقارت می نگرد و آخرت را می طلبد. هرگاه به مقصود نایل گردد زخارف مادی دنیا را ترک می کند و به مولای حقیقی خود می پیوندد. در تمام اوقات با خلوص به بندگی می پردازد، گوش بر قول رب عز و جل دارد که می فرماید: **(وَمَا اَمْرُوْا اِلَّا لِيَعْبُدُوْا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ حُنَفَآءً)** - «دستور داده نشد جز این که خدای را بپرستید و با اخلاص گرویدگان بدین باشید. سوره بینه آیت ۵».

شرک خلق پرستی را زدل بیرون کن و به توحید ذات باری پرداز، آفریدگار همه چیز و همه کس اوست و اختیار عموم در دست اوست.

ای خواستار نعمت غیر از خدا! بدان که تو عاقل نیستی، آیا چیزی هست که در خزانه کبریائی الله وجود نداشته باشد تا از غیر طلبی؟ قال الله عَزَّ وَجَلَّ: **(وَ اِنَّ مِنْ شَيْئٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ)** - «هیچ چیز نیست جز این که گنجینه های آن نزد خداوند است. سوره حجر آیت ۲۱».

(یاغلام) سپس در زیر ناودان قضاء و قدرمتکی به صبر، با موافقت رضای پروردگار به بندگی بگرای و منتظر باش تا از فضل و برکات الهی آنچه که درخور توست، ریزش کند.

(یاقوم) بیانیید در پیشگاه قدس الهی در برابر مقدرات و خواستههای او فروتن باشیم. ظاهر و باطن خود را به موافقت و رضای به مقدر آراسته داریم و در رکاب او رهسپار عالم رضای گردیم، چون مسلم است که فرستاده پادشاه را به خاطر بزرگی پادشاه گرامی می دارند، پس گرامیداشت اقدار الهی بزرگداشت خداست و وقتی چنین بودیم به قرب حق نائل خواهیم شد.

(هٰذَاكَ الْوَلٰٓئِيَّةُ لِلّٰهِ الْحَقُّ) - «آنجاست که سرپرستی برای خداوند حق است. سوره کهف آیت ۴۴» - چون بدین مرحله رسیدی از دریای علمش شراب گوارا خواهی نوشید، از سفره فضلش نعمت روحانی خواهی خورد و به قرب او انس

خواهی گرفت، و پرده رحمتش برتو کشیده می شود. اما اهل این مرحله از هزاران یکی است، و از میان تمام قبایل و عشایر فردی.

(یاغلام) رعایت تقوا و رعایت حدود شرع و مخالفت نفس و آرزوهای شیطانی برتولازم است. از هوای نفس و دوستان ناباب پرهیز کن. و بدان که مؤمن واقعی در این جدال سرخوردن با کلاه خود ورع می پوشاند و شمشیر آخته خود را در نیام نمی کند و پشت اسب تحرک و تلاش خویش را از زمین خالی نخواهد کرد. و باتمام قواء برای مبارزه بانفس و جهاد بآن آمادگی دارد. از ضروریات این مبارزه خوردن خوراک اندک، سازگاری با گرسنگی، گفتار به هنگام ضرورت و به امر الهی سخن گفتن است.

در دنیا به گونه ای باید متکلم بود که جوارح در آخرت به نطق و گویائی درمی آیند. خدای تبارک و تعالی اگر بخواهد هر چیزی را به نطق درمی آورد و برای جماد اسباب و وسیله گویائی فراهم می کند. هر اراده ای بفرماید وسیله انجام آن را فراهم می آورد. به طوری که اراده فرموده بندگان خود را به وسیله بشارت و ترساندن از عذاب آخرت از ارتکاب بدیها بازدارد، و به وسیله رسل این حجت بالغه را بیان فرموده است. و زمانی که دوران نبوت و رسالت به پایان رسید علماء و دانشمندان را جانشین انبیاء قرارداد که این حجت را به مردم رسانند. رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میفرماید (الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ) - «علماء وارثان پیامبرانند».

(یاقوم) شکر نعمتهای الهی را به جای آورد و تمام مواهب را از جانب خدا بدانید. خداوند در این خصوص فرموده: (وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ) - «هر نعمتی به شما برسد از جانب خداست» -سوره نحل آیت ۵۳- «سپاسگزاری شما کجاست ای کسانی که نعمتهای خدا را در گریه می دانید بخشایش خداوند را می بینید و آنرا از دیگران می دانید. گاهی نعمت را از غیر خدا می دانید و گاهی آن را اندک می شمارید، و گاهی آنها را در راه انجام معاصی به کار می برید.

(یاغلام) بدان که تونیا زندی که در خلوت به ورع و زهد بپردازی تا آنرا از گرداب معصیت و گناه خارج کند و از زلات و لغزشها در امان بدارد. تونیا زمند مراقبت و تذکر اندرونی هستی و در دیدگاه حق جَلَّ و عَلا قرار داری، و ناگزیری از جدال بانفس و هوای شیطانی. ویرانی بیشتر مردم از خطاهاست و ویرانی اغلب زاهدان از شهوت نفس، و ویرانی ابدال از تفکرات و سوسه انگیز در خلوت است، و ویرانی صدیقین بر پای خاستگانند در مقام حق، همواره خلق را به معرفت الله می خوانند، همواره دلها را به سوی خدمت توجه می کنند و می گویند: ای دلها و ای روانهای انس و جن و ای مریدان به سوی فرمانروای مطلق بشتابید، با پای قلب، با پای تقوا و توحید و شناخت و زهد از دنیا و آخرت و بی اعتنا بودن به همه چیز جز خدا، این است کار راستگویان و مردان حق. تمام توان آنان در راه اصلاح خلق به کار می رود و از زمین تا آسمان دعوت توحیدی آنان عمومیت دارد.

(یاغلام) غرور نفس را ز خود دور کن و خاک پای این قوم باش. در نزد آنان چون خاک فروتن باش. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (يَخْرُجُ الْحَيُّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيَخْرُجُ الْمَيِّتُ مِنَ الْحَيِّ) - «زنده را از خاک مرده پدید می کند و بامرگ، موجودات زنده را به خاک مرده بدل می فرماید». ابراهیم علیه السلام را از پدر و مادری که به علت کفر مرده دل بودند به وجود آورد. چه مؤمن زنده است و کافر مرده. موحد زنده است و مشرک مرده. بدین علت خداوند به زبان رسول گرامی فرموده: (أَوَّلُ مَنْ مَاتَ مِنْ خَلْقِي إِبْلِيسُ) - «اولین کسی که از آفریدگان من مرد ابلیس بود. یعنی چون مرانافرمانی کرد به مرگ معصیت گرفتار شد.

این آخر الزمان است، بدرستی بازار نفاق ظاهر گردیده، بازار دروغ رونق گرفته. با دروغگویان منافق همنشین می کن. وای بر تو، شگفتا! آگاه باش نفس تو منافق، دروغگو و کافر بیدکاره است، چگونه در کنار آن آرام گرفته ای؟ بآن به مخالفت برخیز، مهارش کن، آنرا آزاد رها مکن، زندانی اش کن و حشش را چنانکه سزاوار است ادا کن، با مجاهدت و کوشش آن را ریشه کن نما، نگذار بر تو مسلط شود، او را رام خود کن و بر آن سوار شو.

باخواسته و آرزوی دل همنشینی مکن، زیرا آن طفلی است کوچک و بی خرد، چگونه می خواهی از کودکی خردسال چیزی یاد بگیری؟ آرزوهای نفسانی و هوا و هوس در حکم شیطانند، شیطان دشمن تو و پدیرت آدم علیه السلام است. چگونه بادشمن خود انس می گری؟ مگر نمی دانی که در میان تو و او دشمنی و خونریزی قدیمی وجود دارد؟ از فکر او ایمن مباش که اوقاتل پدر و مادر توست. اگر بر تونیز چیره گردد هر آینه ترانیز نابود خواهد کرد، همانگونه که آنان راهلاک کرد. با سلاح تقوا و توحید به جنگ شیطان نفس برو، مراقبت و زهد در ظاهر و باطن برنده ترین سلاح جنگ با شیطان است، لشکریان تو در این میانه همانا استمداد و استعانت از خداوند تبارک و تعالی است. این بهترین سلاح و بهترین لشکری است که می توانند به آسانی جنود الشیاطین را که در نفس نوع انسان رسوخ کرده شکست دهند و بنیان هستی او را منهدم نمایند. پیروزی همیشه با کسی است که خدا همراه اوست.

(یاغلام) باخواهشهای نفسانی و هوای آن همراهی نمما، به دنیا و آخرت بی اعتنا باش. جز از خدای عزوجل از دیگری متابعت و پیروی مکن. آنگاه به گنجی دست خواهی یافت که فنا و نابودی ندارد. آنهنگام به هدایتی از جانب حق تعالی می رسی که ضلالت و گمراهی به دنبال ندارد. از گناهان خویش توبه کن و به سوی خالق خود بشتاب! اما هرگاه توبه کردی چنان باش که در ظاهر و باطن تائب باشی، زیرا توبه باطنی و قلبی دوست جاودانی است. لباس گناه را از تن بیرون آر، باتوبه خالصانه و شرم از خدای تبارک و تعالی به حقیقت نه از روی ظاهر و مجاز. این مرحل از جمله اعمال دل است که پس از طهارت و پاکی جوارح ظاهری در اثر انجام عبادت حاصل می شود.

دل را وظیفه ای است و تن را وظیفه ای، هرگاه دل از علائق مادی و تعلقات دنیوی و توجه به خلق فارغ گردید، در دریای توکل و معرفت الله باسقیته ایمان به گردش درمی آید. و تمام اسباب ظاهری راها می سازد. و هرگاه در این بحر معرفت شناور شد آنجاست که می گوید: (الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يُهْدِينِ) - «او خدائی است که مرا آفریده است و هدایت می فرماید». از ساحلی به ساحل دیگر هدایت می شود. از جائی به جائی دیگر تا این که سرانجام به جاده مستقیم حقیقت می رسد و هر زمانی خدایا یاد می کند صراط مستقیم او برایش جلوه گرمی شود. و تمام تیرگیهای قلبی به یاد حق جل و علا از دل او زدوده می گردد. و تمام مسافتهای این راه را پشت سر می گذارد. و هرگاه در این سیر روحانی خطری یا مخالفتی بدو روی آرد، چراغ ایمان فراراه او روشن می شود و او را با شجاعت راهنمایی می کند، و آتش خوف و وحشت را در دل او خاموش می نماید، و به جای ترس و وحشت نورانس و فرح و قرب در دلش می تابد.

(یاغلام) هرگاه دردی به تو رسید آن را با صبر و شکیبائی پذیرا باش تا دوی آن به تو رسد، و همین که به دوی آن رسیدی شکر آن را به جای آور، که بر این شیوه زندگی بر تو آسان خواهد شد. خوف از آتش جهنم جگر مؤمنان را پاره و روی را زرد می کند و دلها را اندوهگین می سازد. در این حال است که خداوند متعال آب لطف و رحمت خود را به دلها میریزد و درهای نجات آخرت را بر روی آنان می گشاید تا جایگاه خود را به دیده باطن بنگرند. همین که مؤمن به این مرحله رسید و سکون و اطمینان قلبی حاصل کرد و اندکی آسود باب جلال بروی گشوده می شود تا خوف او از بار اول بیشتر گردد. وقتی این مرحله را نیز باشکر و صبر به پایان برد باب جمال بروی گشوده خواهد شد تا به مرحله سکون و آرامش و اطمینان کامل نائل گردد و این درجات و طبقات یکی بعد از دیگری حاصل می شود.

(یاغلام) سعی کن هم و غمت آن نباشد که چه بخوری، چه بیاشامی، چه بیوشی، باچه کسی ازدواج کنی، کجامسکن گزینی و چگونه مال دنیا جمع آوری کنی، تمام اینها آرزوهای نفس شیطانی است، پس کجا شدخواست معقول قلب و باطن که جویای ذات اقدس باری تعالی است؟ باید تمام هم شما رضای خدا باشد که خداوند به عوض دنیا آخرت را برایت مقرر می دارد. هرگاه به زخارف دنیا به دیده بی توجهی نگرستی، بدل آن نعمت جاودانی آخرت به تو اعطا می شود. اگر از عمرت یک روز باقیمانده به محاسبه خود و اعمال خود بپرداز و ذخیره ای جهت روز مرگ یعنی آنگاهی که فرشته مرگ به سراغت می آید، تهیه کن.

دنیا در حکم آشپزی است برای قوم و آخرت محل آبادانی و سکنای آنان. اما هرگاه غیرت خداوند بر دلها نازل شود بین آنان و آخرت حائل می شود، در این هنگام نه به دنیا خود را نیازمند می دانند و نه به آخرت، و جز به لقاء الله به چیز دیگری نمی اندیشند.

ای دروغگو! تو خدای رادرحال نعمت و آسایش دوست داری اما هرگاه بلائی بتورسد چنان می گریزی که گویا هرگز ادعای خدادوستی نکرده ای، بدان که صدق و کذب بنده در حال آزمایش هویدا می گردد. هر وقت از سوی خداوند متعال به رنجی دچار شوی و صبر و ثبات را از دست ندادی آنگاه می توانی ادعای دوستی خدا را داشته باشی.

مروی است که مردی به نزد رسول علیه السلام آمد و گفت یارسول الله ترا بسیار دوست دارم. حضرت در جوابش فرمود: **(اسْتَعِدُّ لِلْفَقْرِ جُلْبَابًا)** «در این صورت برای خود از فقر پوششی درست کن».

مردی دیگری باز به نزد رسول بزرگوار آمد گفت: من خدا را بسیار دوست دارم، حضرت فرمودند: **(إِتَّخِذْ لِلْبَلَاءِ جُلْبَابًا)** - «برای خود در مقابل بلا پوششی آماده نما». زیرا محبت خدا و رسول مقرون به فقر و بلا و رنج است. در این موردیکی از صلحاچنین می فرماید: **(وَكُلُّ الْبَلَاءِ بِالْوَلَاءِ كَمَنْ لَا يَدْعِي لَوْلَمْ يَكُنْ كَذَالِكَ وَالْإِكَانَ أَحْدِيدَعِي مُحَبَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ)** - «بر دوستی خدا بلا گمارده شده است تا هرکسی این اعدا را نکند و اگر چنین نبود هرکسی ادعای دوستی خدا را می کرد. بنابراین دوستی خدا و رسول او به ثبات و پایداری در قبال فقر و بلا و تحمل شداید و مصائب معلوم می گردد».

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. آمین